

نقش نیروی دریایی راهبردی در توسعه سواحل مکران

و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران

داود رضائی سکه‌روانی^۱، محمود واثق^۲، امیر هوشنگ خادم‌دقیق^۳ و حسن چهارمحالی^۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۷

چکیده

امنیت و توسعه دو مفهوم به هم پیوسته و مکمل یکدیگر هستند که در برنامه‌ریزی دولت‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که امنیت بدون توسعه نمی‌تواند تداوم داشته باشد و در صورت تداوم، هزینه‌بر است و توسعه نیز بدون ایجاد ساختارهای امنیتی مناسب شکل نمی‌گیرد. بنابراین هدف مقاله پیش رو، بررسی نقش توسعه و پیشرفت سواحل مکران بر مبنای نظریه امنیت - توسعه و آثار توسعه منطقه بر افزایش ضریب امنیت ملی ج.ا.ایران است. سؤال مقاله «چگونگی نقش نیروی دریایی راهبردی در توسعه سواحل مکران (پیشرفت) و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران» می‌باشد. این پژوهش از نظر نوع کاربردی بوده و با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) با جامعه آماری ۳۰ نفره از صاحب‌نظران و مدیران آشنا به مسائل امنیتی و منطقه مورد مطالعه از سه نیروی (پداجا، نهاجا و ناداجا) تشکیل شده است. جامعه آماری تحقیق تمام شمار و با توجه به اهمیت موضوع، تجزیه و تحلیل اطلاعات با نرم افزار SPSS صورت گرفته که نتیجه حاصله ضمن تأیید

۱. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، مدرس دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) (نویسنده مسئول) d.rezaei77@yahoo.com

۲. استادیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران mahmoodvasegh@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی a.k.d110@chmail.ir

۴. کارشناس ارشد مدیریت دولتی، مدرس دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) Hassan8171@gmail.com

فرضیه‌های تحقیق بیانگر آن است که نیروی دریایی با گسترش به سمت سواحل مکران و توسعه زیرساخت‌های بندری، صنایع و امکانات اولیه بهداشتی، آموزشی، رفاهی و فرهنگی جهت کارکنان خود، نقش مفیدی در خروج منطقه از انزوای جغرافیایی و رفع محرومیت مردم منطقه خواهد داشت و می‌تواند با توجه به ظرفیت و توانایی‌های موجود با افزایش ظرفیت‌ها جهت اشتغال در بندرها و صنایع وابسته به دریا، نقش بی‌بدیلی در کاهش ناامنی‌های کالبدی و افزایش ضریب امنیتی این بخش از سرزمین ایران ایفا نماید.

واژگان کلیدی: ج.ا.ایران، نیروی دریایی راهبردی، توسعه، سواحل مکران، امنیت ملی

مقدمه

امنیت یکی از بنیادی‌ترین نیازهای هر جامعه و مهم‌ترین عامل دوام زندگی اجتماعی است. امنیت انسانی متأثر از طیف‌های مختلفی همچون امنیت غذایی، بهداشتی، آموزشی، رفاهی، روانی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... می‌باشد. خلل در نظام تأمین‌کننده نیازمندی‌های انسانی می‌تواند منجر به ایجاد چالش، تهدید و ناامنی برای ساختار حاکمیت گردد. هر چند در بررسی مفهوم امنیت باید نسبی بودن آن را مدنظر قرار داد، اما امنیت همواره تابعی از دو متغیر فرصت و مؤلفه‌های مهم دیگری همچون تهدید است؛ به همین منظور اتخاذ سازوکارهای مناسب، مدیریت بهینه و همچنین بهره‌گیری از فرصت‌های موجود توسط دولت‌ها می‌تواند نقش مؤثری در توسعه و رفع نیازهای انسانی داشته باشد که این مهم در حذف بسترهای ناامنی و تهدیدها آثار مطلوبی دارد. کشورهایی که در مسائل مختلف زیربنایی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... گرفتار توسعه نیافتگی هستند، طیف گسترده‌ای از مسائل می‌تواند زاینده تهدیدهای امنیتی آنها باشد. (بایوردی، ۱۳۸۸: ۱۷۴)

افزون بر تهدیدهای ناشی از عوامل کالبدی متأثر در توسعه نیافتگی، فرایند جهانی شدن در ابعاد اقتصادی، اطلاعاتی و حتی سیاسی که مرزهای ملی را با تهدیدهای

متفاوتی مواجه ساخته و سبب درخواست‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدید توسط گروه‌های قومی گردیده، دولت‌های ملی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است. (قیصری، ۱۳۸۲: ۳۹۸) در همین راستا حمایت از گروه‌های قومی در مناطق کمتر توسعه یافته که جزئی از دیپلماسی اروپایی و آمریکایی در قرن بیستم بوده، اکنون نیز ادامه دارد (Bozarsalan.1997:16) و اصولاً پس از پایان جنگ سرد، سمت‌وسوی تهدیدها علیه دولت‌ها بیشتر سرچشمه‌ای داخلی داشته تا عوامل بیرونی.

بنابراین، از آنجا که بخشی مهمی از عوامل و سرچشمه‌های قدرت در جغرافیای هر کشور قرار دارد و ویژگی‌های جغرافیایی، نقشی بنیادین در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت بازی می‌کنند، سواحل مکران به‌عنوان یکی از مناطق محروم، که به دلایلی از روند توسعه ملی مغفول مانده، می‌تواند بسترساز ناامنی‌های بیشتر گردد؛ اما از آنجا که منطقه به‌لحاظ محیطی ظرفیت‌های مناسبی جهت رشد و شکوفایی دارد، تحقق این امر منوط به طراحی و برنامه‌ریزی سیاست‌های کارآمد و بهره‌گیری بهینه از کارکردهای منطقه می‌باشد. (زرقانی، ۱۳۹۱: ۲) به همین منظور، جهت مقابله با بسترهای تهدیدزا که بیشتر ناشی از عوامل کالبدی می‌باشد، ضرورت برنامه‌ریزی جهت استفاده از فرصت‌ها برای توسعه این منطقه محروم و دور از مرکز و سایر محیط‌های مشابه، لازم می‌باشد.

۱. کلیات

۱-۱ بیان مسئله

مفهوم قلمرو حاشیه به‌عنوان مناطق دور از مراکز سازمان یافته جمعیت و ادغام نیافته در اقتصاد ملی، نخستین بار برای کشورهای کمتر توسعه یافته مطرح گردید. (مویر، ۱۹۴۳: ۲۰۴) هر چند که امروزه این مفهوم در قلب بسیاری از کشورهای غربی نیز به صورت جنبش‌هایی علیه قدرت مرکزی دیده می‌شود، اما در کشورهای در حال توسعه نمود بیشتری دارد. بنابراین مناطق مرزی (حاشیه‌ای) که به دلایل مختلف، رشد برابری

با نواحی داخلی نداشته و از مواهب توسعه محروم هستند، به شکل طبیعی با زمینه‌های ناامنی روبرو می‌باشند که در صورت مدیریت نکردن و برقراری عدالت اجتماعی در توزیع امکانات میان همه قلمرو حاکمیتی و ایجاد فاصله بین مرکزیت و نواحی پیرامونی بسترهای نارضایتی و ناامنی می‌تواند امنیت ملی کشور را با مخاطره روبرو سازد. توسعه و امنیت جنوب شرق کشور به عنوان یک مسئله مهم است که در سال‌های اخیر در سیاست‌های برنامه توسعه مورد تأکید قرار گرفته و در همین راستا سازمان‌های متعددی در کشور با برگزاری همایش، سمینار و اقدام‌های عملی توسط بسیج سازندگی و همچنین افزایش بودجه و اقدام‌های امنیتی و ... به دنبال کسب آن بوده‌اند، اما به این دلیل که بیشتر تصمیم‌ها و اقدام‌های گذشته از طرف نهادهایی خارج از این مناطق (از بالا به پایین) اتخاذ شده و گاهی مقطعی بوده، نتوانسته راهگشای پیشرفت، رفع محرومیت‌ها و افزایش امنیت در منطقه باشد.

به منظور تحقق این خواسته ملی و با توجه به موقعیت دریایی جنوب شرق کشور و شرایط مناسب محیطی در دسترسی به آب‌های بین‌المللی در سواحل دریای عمان از یکسو و از سوی دیگر، با توجه به تدابیر صورت گرفته از سوی مقام معظم رهبری مبنی بر انتقال مأموریت نیروی دریایی ج.ا.ایران از سواحل خلیج فارس به سواحل مکران در دریای عمان، این مسئله مطرح می‌باشد که نقش این نیروی راهبردی در توسعه و افزایش امنیت در مناطق مرزی جنوب شرق کشور که فاقد زیرساخت‌های مناسب شهری، بندری، ارتباطی، آموزشی، فرهنگی و ... می‌باشد، چیست؟ آیا با توجه به انتظارات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، ظرفیت‌های نیروی دریایی راهبردی می‌تواند در روند توسعه این منطقه مؤثر واقع گردد؟ آیا توسعه این منطقه می‌تواند منجر به کاهش ناامنی‌های منطقه نسبت به گذشته گردد؟ آیا نیروی دریایی می‌تواند با عملکرد خود نقش مؤثری در تقویت انسجام ملی و خروج منطقه از انزوای جغرافیایی داشته باشد؟

۱-۲. اهمیت و ضرورت موضوع

با توجه به ویژگی‌های کالبدی جنوب شرق کشور و محدودیت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی، روند توسعه این منطقه نسبت به سایر مناطق کشور نامطلوب می‌باشد. این وضعیت در کنار تفاوت‌های فرهنگی - مذهبی و شرایط اقتصادی و اجتماعی مردم منطقه به همراه همجواری با کشورهای افغانستان و پاکستان و همچنین حمایت‌های مالی و سیاسی کشورهای خارجی از برخی گروه‌های قومی، بستر ساز ناامنی و تهدیدهای متفاوتی علیه امنیت ملی ج.ا.ایران (قاچاق مواد مخدر و سوخت، شرارت و اقدام‌های تروریستی، تردهای غیرمجاز و ...) در سال‌های گذشته شده است. هر چند در گذشته جهت توسعه و امنیت‌زایی در منطقه تلاش‌هایی گردیده، اما وضعیت فعلی نشان دهنده ناکافی بودن آنهاست؛ از همین رو این پژوهش بنا به دلایل زیر دارای اهمیت بالایی می‌باشد:

۱. حضور مستمر نیروی دریایی راهبردی ج.ا.ایران در سواحل مکران جهت توسعه منطقه با تکیه بر دریا.
۲. توجه ویژه رهبر معظم انقلاب به نقش نیروی دریای راهبردی در توسعه سواحل مکران با بیان اینکه این نیرو موهبت الهی جهت زنده کردن منطقه جنوب شرقی کشور می‌باشد.
۳. ناکافی بودن اقدام‌های توسعه‌ای جهت استفاده از ظرفیت‌های منطقه توسط سایر ارگان‌ها در گذشته.
۴. افزایش بستر تهدیدها با توجه به حضور نیروهای بیگانه در منطقه.
۵. تأثیر و نقش مهمی که توسعه منطقه بر افزایش ضریب امنیتی ج.ا.ایران دارد.
۶. مؤثر بودن نقش دریا در توسعه و شکوفایی این منطقه با توجه به قابلیت‌های متنوع دریا.

۷. تلاش دولت‌های محصور در خشکی جهت استفاده از سواحل مکران و نقش نیروی دریایی در تحقق آن.

۱-۳. پیشینه تحقیق

در بررسی‌های صورت گرفته از منابع مکتوب اعم از کتاب‌ها، مقاله‌های علمی و منابع الکترونیکی و وب‌گاه‌های معتبر علمی، منابع مختلفی به نقش و تأثیر مناطق حاشیه‌ای کمتر توسعه یافته بر امنیت ملی پرداخته‌اند. «ولهوفر»^۱ (۱۹۹۵) در بررسی ظهور ملی‌گرایی حاشیه‌ای در انگلستان اواخر قرن نوزدهم و آرژانتین اوایل قرن بیستم، دریافت که در هر دو کشور، ملی‌گرایی به دست طبقات متوسط جامعه، که از لحاظ اقتصادی و فرهنگی در حاشیه بوده‌اند، صورت گرفته است. (مویر، ۱۹۴۳: ۲۱۰) عندلیب (۱۳۸۰) در بررسی خود از مناطق مرزی، با توجه به اینکه فقر و محرومیت، تبعیض و فساد از عوامل توسعه نیافتگی و عوامل ضدامنیتی محسوب می‌شوند، در مناطق حساس مرزی باید با این عوامل به گونه‌ای خاص برخورد شود. مطالعات این بررسی نشان داده که با افزایش میزان محرومیت و فقر اقتصادی و فرهنگی در مناطق مرزی، ضریب امنیت و آمادگی دفاعی در آنها نیز به شدت کاهش می‌یابد. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۱۵)

در تحقیقی دیگر، خلیلی (۱۳۹۰) ضمن توجه به دو مفهوم امنیت و توسعه پایدار به عنوان کارویژه اصلی دولت‌ها، در مطالعه منطقه جنوب شرق کشور، اختلاف‌های قومی/مذهبی و فقر را از عوامل ناامنی و تهدیدزا برای توسعه پایدار دانسته و برای رفع این مشکل، بهره‌گیری از دالان شمال/جنوب را فرصت مناسبی برای رفع فقر و محرومیت منطقه سیستان و بلوچستان می‌داند. (خلیلی، ۱۳۹۰: ۸۲)

یافته‌های تحقیق احمدی‌پور (۱۳۹۰) در بررسی عوامل ناامنی منطقه جنوب شرق کشور نشان از تأثیر دو عامل خارجی و داخلی در ایجاد ناامنی منطقه جنوب شرق

می‌باشد که البته سهم عوامل خارجی را بیشتر دانسته‌اند، اما عوامل داخلی شامل انزوای جغرافیایی، اختلاف‌های قومی و زبانی، شکاف توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی این منطقه با بدنه کشور، تنش‌سازی فرقه‌ای و ... می‌باشد. (احمدی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۳) تحقیقی دیگر نابرابری‌های منطقه‌ای را یکی از مشکلات ایران دانسته و نتایج تحقیق که با استفاده از روش LINMAP صورت گرفته، از میان ۳۳۳۶ شهرستان کشور، بیشتر مناطق محروم و توسعه نیافته کشور در قسمت جنوب شرق متمرکز شده‌اند و برای رفع محرومیت‌ها، اولویت اول را برنامه‌ریزی توسعه پیشنهاد داده‌اند. (شیخ بیگلو، ۱۳۹۱: ۲۱) بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته درخصوص مناطق حاشیه‌ای، نشان از تأثیر عوامل فقر و محرومیت اقتصادی، فرهنگی و ... در ایجاد ناآرامی و ناامنی‌ها می‌باشد که در صورت توسعه متوازن همه فضای سرزمین، می‌توان ضمن ایجاد انسجام و یکپارچگی ملی، آثار تهدیدهای خارجی را نیز بی‌اثر نمود.

۴-۱. سؤال‌های تحقیق

- * حضور نیروی دریایی راهبردی ج.ا.ایران در سواحل مکران چه نقشی در روند توسعه این منطقه دارد؟
- * توسعه منطقه چه تأثیری در امنیت ملی ج.ا.ایران دارد؟

۵-۱. هدف تحقیق

هدف اصلی تحقیق، بررسی نقش نیروی دریایی راهبردی ج.ا.ایران در توسعه سواحل مکران می‌باشد و هدف فرعی تحقیق، بررسی و تأثیر پیشرفت و توسعه منطقه در کاهش تهدیدها و افزایش ضریب امنیت ملی ج.ا.ایران می‌باشد. فرض اول این است که حضور نداجا در سواحل مکران نقش مهمی در روند ابعاد مختلف توسعه در این منطقه دارد و فرض دوم این است که گسترش نیروی دریای ارتش ج.ا.ایران در

سواحل مکران، ضمن تأثیر بر روند توسعه منطقه بر افزایش امنیت ملی ج.ا.ایران نیز اثرگذار است.

۶-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. برای تعیین روایی این پژوهش از روش استانداردسازی پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت استفاده شد. در سنجش روایی پژوهش، از اعداد ۱ تا ۵ استفاده شد که عدد ۱ به معنای فاقد اهمیت و عدد ۵ به معنای ارتباط خیلی زیاد است. (دلور، ۱۳۸۵: ۳۱۳) در همین راستا با مراجعه به تعدادی از خبرگان (۱۰ نفر) مرتبط با مؤلفه‌های اصلی، جهت بررسی روایی متغیرهای پژوهش اقدام شد. نتیجه نهایی با توجه به عدد مبنا (۲/۵) محاسبه گردید. به این ترتیب، در صورتی که میانگین حسابی اعداد به دست آمده مربوط به مفهوم و یا متغیر مورد سنجش، مساوی و یا بیش از عدد مبنا بود، تأیید و در غیر این صورت، رد شد. در نتیجه، روایی شاخص‌های نقش نیروی دریایی در توسعه سواحل مکران و تأثیر این توسعه بر امنیت ملی ج.ا.ایران به تأیید خبرگان رسید. برای آزمون پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ^۱ به شرح فرمول زیر استفاده شد. دامنه آلفای کرونباخ بین ۱ و ۰ بوده که هر چه این ضریب به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد، پایایی پرسشنامه بالاتر است. بنابر قاعده آلفا، مقدار ضریب کرونباخ باید حداقل ۰/۷۵ باشد تا بتوان گفت پرسشنامه دارای پایایی است. (زکیا و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۲۴)

در نهایت ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه دوم، عدد ۰/۹۸۴ به دست آمد که با توجه به بزرگ‌تر بودن این عدد نسبت به ۰/۷۵، پایایی پرسشنامه دوم مورد تأیید قرار گرفت. برای دستیابی به هدف این پژوهش، از نظر استادان و صاحب‌نظران نظامی در

1 Cronbach Alpha

حوزه امنیتی که با خدمت در منطقه مورد مطالعه آشنایی مناسبی نسبت به اوضاع منطقه دارند، در سه طبقه شامل: شاغلان در سه نیروی پدافند هوایی، دریایی و نیروی هوایی ارتش ج.ا.ایران استفاده شد که با توجه به توزیع حجم نمونه در جامعه آماری این پژوهش، سهمیه هر یک از عناوین جامعه در جدول شماره (۶) نشان داده شده و با توجه به کم بودن تعداد جامعه آماری، کل جامعه به صورت تمام شمار به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده است.

جدول شماره (۱) مشخصات پاسخ دهندگان در حجم نمونه آماری

ردیف	سن خدمتی			مقطع تحصیلی			شغل			سازمان		
	۱-۵	۶-۱۰	۱۱-۲۰	کارشناس ارشد	دانشجوی دکتری	دیگری	هیئت علمی	مدیریت	فرماندهی	نیابت	نیابت	نیابت
فراوانی	۱	۵	۲۴	۲۰	۶	۴	۳	۲۰	۷	۱۰	۶	۱۴

۷-۱. محیط‌شناسی تحقیق

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۸۱۷۸۵ کیلومتر مربع، دومین استان پهناور کشور و در جنوب شرقی ایران واقع شده و بیش از ۱۱ درصد وسعت کشور را دربرمی‌گیرد و از نظر جمعیتی، یکی از کم‌تراکم‌ترین استان‌های کشور است. (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۵: ۲۶) این استان با کشور پاکستان ۹۰۰ و افغانستان ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد و در جنوب با دریای عمان به طول تقریبی ۲۷۰ کیلومتر مرز آبی دارد. جنوب شرق ایران واجد مزیت‌های ژئوپلیتیکی مهمی است که ایران را به عنوان وزنه‌ای مهم در نظام بین‌المللی و نظام جهانی در قرن ۲۱ مطرح می‌نماید. (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۷) مردم استان از قومیت‌های بلوچ و فارس زبان و پیرو اهل سنت و تشیع

می‌باشند. مرزهای کنونی این منطقه در اثر دخالت کشور انگلستان که منافع خود را در خاور ایران به‌ویژه در هندوستان یافته بود، توسط ژنرال گلداسمیت به‌وجود آمد. در این میان، مکران سرزمینی ساحلی در جنوب خاوری ایران و جنوب باختری پاکستان است که در طول خلیج عمان از رأس الکوه در باختر جاسک تا لاسبلا در جنوب خاوری ایالت بلوچستان پاکستان گسترده است. این منطقه در بخش جنوبی، به‌دلیل مجاورت با دریای عمان و سواحل شمال غربی اقیانوس هند و همچنین دسترسی به حوزه خلیج فارس از طریق استان هرمزگان، از موقعیت نسبی قابل توجهی در چارچوب ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برخوردار است؛ همچنین واقع شدن این منطقه در مسیر دالان حمل و نقل جنوب به شمال، منطقه را در موقعیت بسیار کلیدی قرار داده و نتایج حاصل از این موقعیت‌ها، نقش مهمی در دسترسی منطقه به حوزه‌های پر اهمیت شبه قاره هند، آسیای مرکزی، آب‌های جنوب شبه جزیره عربستان و تنگه باب‌المنذب، دریای سرخ و به‌ویژه حوزه خلیج فارس دارد.

موقعیت ساحلی و مجاورت این ناحیه با پهنه آبی اقیانوس هند و همچنین قرار داشتن در مسیر دالان حمل و نقل جنوب به شمال، در زمره مزیت‌های ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی این منطقه از کشور محسوب می‌شوند. (واثق و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۵) از این رو، مقام معظم رهبری راجع به اهمیت سواحل دریای عمان در دیدار با جمعی از فرماندهان نداجا فرمودند: «این ساحل عظیم و طولانی بسیار حساس که ما در دریای عمان داریم، در واقع یک گنج است و باید اعتراف کنیم که این را کشف نکرده بودیم. دریای عمان، ساحل دریای عمان و حضور در دریای عمان یک گنج است، یک ذخیره

است. (بیانات، ۱۳۸۷/۹/۶)

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۲-۱. قدرت دریایی

قدرت دریایی، «مجموعه‌ای از توانایی‌های یک ملت در استحصال منافع خویش از دریاها و اقیانوس‌ها برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و نظامی در زمان صلح و جنگ به منظور نیل به مقاصد و اهداف ملی است» (عزتی، ۱۳۸۷: ۸۰) بنابراین سرچشمه و عناصر شکل‌گیری قدرت دریایی شامل جامعه و ملت دریایی، منابع، سبک حکومت و سیاست دولت و جغرافیاست که وقتی با عناصری مانند ناوگان تجاری و ناوگان جنگی، پایگاه‌ها و ابزار جنگ ترکیب می‌شود، قدرت دریایی را به وجود می‌آورد. (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۴۱۸)

«آلفرد تایر ماهان»^۱ «توان دریایی» را اساس قدرت ملی می‌داند. او در تحلیلی که از تاریخ دریانوردی، به‌ویژه گسترش جهانی قدرت دریانوردی بریتانیا داشت، به این نتیجه می‌رسد که سلطه بر دریاها، به‌ویژه تنگه‌های راهبردی، برای وجود قدرت‌های بزرگ ضروری است. وی معتقد بود شرط اصلی در ایجاد یک قدرت جهانی، واپایش (کنترل) بر دریاهاست. به نظر ماهان، «دریاها بیش از آنکه سرزمین‌های جهان را از هم جدا کنند، آنها را به هم پیوند می‌دهند. بنابراین تشکیل امپراتوری‌های ماورای بحار و دفاع از آنها، به قدرت تسلط بر دریا بستگی دارد» (Mahan, 1897: 281) از دید ماهان، مهم‌ترین عنصر در قدرت دریایی، موقعیت جغرافیایی کشورها در دسترسی به دریا می‌باشد.

برخلاف گذشته، امروزه مفهوم قدرت دریایی معنای وسیع‌تری داشته و سه محور: واپایش و داد و ستد بین‌المللی، عملیات نیروی دریایی در جنگ و استفاده از نیروهای دریایی به‌عنوان ابزار دیپلماسی، بازدارندگی و نفوذ سیاسی در دوران صلح را در بر می‌گیرد. با توجه به ظرفیت‌های دریا و سهمی که دسترسی به این بخش در

1. Mahan. Alferd Tayer

شکل‌گیری قدرت و امنیت ملی کشورها دارد، تلقی سنتی از رابطه دریا و قدرت را دچار تحول نموده است. از این رو می‌توان گفت قدرت دریایی یعنی توانایی یک کشور برای تجارت بین‌المللی، بهره‌برداری از منابع دریایی اعم از زیر بستر و روی بستر با استفاده از نیروی نظامی و غیرنظامی با هدف واپایش حوزه دریایی برای تأمین خطوط مواصلاتی خودی و حتی قطع خطوط مواصلاتی دشمن. بنابراین قدرت دریایی بر ۳ پایه استوار است: «تجارت بین‌المللی»، «عملیات نظامی در دریا» و «استفاده از نیروی دریایی به‌عنوان یک عامل بازدارنده». این عوامل نشان‌دهنده آن است که حتی عملیات تجاری و یا صیادی و استفاده از منابع دریایی توسط یک کشور، جزو قدرت دریایی آن کشور محسوب می‌شود. (پوررضائی، ۱۳۹۳)

نکته مهم در این بحث، نوع ساختار کشور و شیوه استفاده از توانمندی‌ها در افزایش قدرت دریایی و به تبع افزایش قدرت ملی می‌باشد. اگر یک دولت توانایی بسیج امکانات دریایی غیرنظامی را در زمان بحران در جهت تحقق اهداف ملی داشته باشد، می‌توان ادعا داشت که از قدرت دریایی بسیار خوبی برخوردار است؛ اما اگر در این رابطه، قدرت هماهنگی و به‌کارگیری امکانات وجود نداشته و هیچ نظام و سازمان و راهکاری برای نظامند نمودن قدرت دریایی نباشد، نمی‌توان باور کرد در زمان بحران بتواند کارآیی لازم از خود ارائه دهد.

اتحاد جماهیر شوروی پیشین با اینکه تا قبل از فروپاشی به‌عنوان یکی از دو قدرت برتر در جهان محسوب می‌شد، به این نتیجه رسیده بود اگر به‌عنوان یک ابرقدرت بخواهد در معادلات سیاسی دنیا نقش داشته باشد، باید متکی به قدرت دریایی شود در غیر این صورت در یک قاره خشکی محصور خواهد ماند. اهمیت و نقش دریا در قدرت ملی چنان است که «پتر کبیر» (۱۶۸۲م) در بند ۹ وصیتنامه خود نزدیک‌تر شدن هر چه بیشتر به قسطنطنیه و هند (دریا) و خلیج فارس که به‌منزله مالکیت بر تمام جهان است را به مسئولان این کشور مورد تأکید قرار داده (حافظنیا، ۱۳۷۱: ۱۳۳) و به همین

منظور اشغال ایران، افغانستان و گسترش به سمت غرب و درگیری در گرجستان و اوکراین توسط مقامات این کشور با هدف تسلط بر دریا بوده است. نظریه قدرت دریایی که توسط آلفرد تایر ماهان مطرح شد، باعث گردید برخی کشورها برای اینکه نقش مهمی به عنوان یک سیطره‌جو (هژمون) در دنیا داشته باشند، به دنبال تشکیل یک قدرت دریایی قدرتمند برآیند.

جدول شماره (۲) عوامل مؤثر بر نقش دریاها در قدرت ملی کشورها

توسعه تحقیقات علمی و شناخت ویژگی‌های دریاها و اقیانوس‌ها
توسعه روابط و نیازهای متقابل بین ملت‌ها که نسبت به گذشته بسیار گسترش یافته و در این میان دریا که بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی از طریق آن انجام می‌شود، به عنوان واسطه تأمین نیازهای متقابل بین ملت‌ها عمل می‌کند.
توسعه عرصه‌های عملیات نظامی در دریاها به منزله گسترش فضایی صحنه‌های عملیات در ماورای خشکی‌ها است و دریاها می‌توانند به کشورهای حاشیه خود عمق راهبردی ببخشند.
ناکافی بودن منابع خشکی برای رفع نیازهای بشر به دلیل افزایش جمعیت و تحول در الگوی زیست‌انبای بشر، دریا را با پوشش بیش از ۷۰ درصد از فضای کره زمین به عنوان یک فرصت نمایان می‌سازد.
به وجود آمدن نقش سیاسی برای دریاها مانند تشکیل اتحادیه‌ها بر مبنای دریاها به لحاظ ارتباطی، دریاها می‌توانند نقطه عطفی در ایجاد ارتباط بین کشورها باشند.
با توجه به نیازهای روحی بشر، صنعت گردشگری دریایی نقش مهمی در توسعه دریاها و سواحل دارد (بیشتر شهرهای بزرگ دنیا در حاشیه دریاها یا با فاصله کمی از حاشیه دریاها قرار دارند).

(حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۳: ۲۰۱)

۲-۲. امنیت

مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند. (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۴) «آرنولد ولفورز» معتقد است: امنیت یک ارزش ذاتی است که یک کشور به شکل نسبی از آن برخوردار می‌شود و مشتاق است به میزان کمتر یا بیشتری به آن دست پیدا کند. بنابراین وی نه تنها امنیت را

«حفظ ارزش‌ها» بلکه عین آن می‌دانند. (Kenneth, 1967: 8) امنیت به معنای سنتی آن عبارتست از امنیت نظامی و توسل به قوای قهریه برای آرامش و فرار از خطرهای مختلف. برخی واقع‌گرایان، نابرابری اقتصادی را ریشه تهدیدها می‌دانند. سنت‌گرایان، امنیت را نبود «تهدید نظامی» تعریف می‌کنند. در نگاه ایشان، هدف اصلی در امنیت، تقویت توان نظامی، بالا بردن هزینه‌های نظامی و تولید و تکثیر سلاح‌های بازدارنده می‌باشد؛ در واقع آنها معتقد به «قدرت بیشتر، امنیت بیشتر» هستند. اما در مطالعات فراستنی، تهدید در ابعاد دیگری همچون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... از تهدیدهای مهم و بسیار دغدغه‌آفرین شناخته می‌شود. بر این اساس، تهدید، تنها تهدید نظامی نیست، بلکه مجموعه‌ای از تهدیدها در تعریف و تحلیل امنیت اثرگذار است. (بهرامی، ۱۳۸۵: ۹۵) در کشورهای توسعه یافته، انواع امنیت به یکدیگر وابسته نیستند و یا وابستگی اندکی با هم دارند، اما در مقابل، در کشورهای در حال توسعه و جهان سومی، صورت‌های گوناگون امنیت در یکدیگر تنیده شده و قلمرو امنیت ملی بسیار گسترده گردیده تا آنجا که در بسیاری از این کشورها، بی‌ثباتی سیاسی و نبود امنیت داخلی در مقام مقایسه با تهدیدهای خارجی، به مراتب سخت‌تر می‌نماید و ارزش‌های حیاتی را بیش از هر تهدید دیگر خارجی در معرض زوال و بی‌توجهی قرار می‌دهد. این درهم‌تنیدگی اقسام امنیت در کشورهای جنوب، بیشتر معلول بحران مشروعیت، فقدان اراده ملی و تنوع قومی و آشفتگی اقتصادی است. (بهرامی، ۱۳۸۵: ۹) مفهوم امنیت، به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه پایدار نیز می‌تواند در نظر گرفته شود. به عبارتی، میان دو مفهوم امنیت و توسعه پایدار شباهت‌های قابل توجهی دیده می‌شود. از جمله اینکه، هر دو بر مسائل مشترک جامعه، اقتصاد و محیط زیست با تأکیدات متفاوت توجه دارند. (قاسمی، ۱۳۷۸: ۲۰۲) در واقع امنیت و توسعه پایدار، ابعاد به هم پیوسته و تجزیه‌ناپذیری هستند. امنیت، توسعه است و توسعه یکی از شروط مهم برای رسیدن به امنیت به‌ویژه در جهان سوم به‌شمار می‌رود.

۲-۳. امنیت ملی

«والتر لیپمن»^۱ در تعریف امنیت ملی می‌گوید: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ، بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را پیش ببرد». (روشندل، ۱۳۷۴: ۷) به اعتقاد «ریچارد اولمان»^۲، تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت از یک عمل یا یک سلسله از حوادث که طی زمانی کم و بیش کوتاه، کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را به شدت تهدید کند. (روشندل، ۱۳۸۴: ۱۳۸) تهدیدهای امنیتی دارای گونه‌های متنوع و بسیاری می‌باشد که هر روز بر ابعاد آن افزوده می‌شود. «باری بوزان»^۳ از محققان برجسته مباحث امنیتی، تهدیدها را در پنج گروه اصلی طبقه‌بندی کرده است: تهدیدهای نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی. (زرقانی و اعظمی، ۱۳۹۰: ۱۴۴) تهدیدهای انسان‌ساز شامل تهدیدهای نظامی، تهدیدهای امنیتی، تهدیدهای اتفاقی می‌شود. تهدیدهای نظامی شامل تهدیدهایی است که بیشتر به وسیله دشمن خارجی با استفاده از تسلیحات نظامی متوجه منطقه مورد نظر می‌شود. کارشناسان مربوط، حمله نظامی و بمباران مراکز مهم نظامی، اقتصادی، جمعیتی و زیرساخت‌های حیاتی و حساس شهرها را بارزترین مصادیق تهدیدهای نظامی دانسته‌اند. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۵۴)

امنیت ملی دارای دو بعد داخلی و خارجی است. از بعد داخلی، امنیت یک ملت در مقابل تهدیدهای پیدا و پنهان در درون مرزهای ملی را شامل می‌شود (شورش، کودتا، بحران‌های اقتصادی، آشوب اجتماعی) و از بعد خارجی، به تهدیدهای برون مرزی علیه یک دولت مربوط می‌شود (فشار سیاسی، حمله نظامی، تحریم اقتصادی). البته تفکیک این دو بعد امنیت ملی از یکدیگر تا اندازه‌ای غیرممکن است؛ چرا که تأثیر و تأثر متقابل، عوامل داخلی و خارجی را با یکدیگر مرتبط و پیوسته کرده است. (زارعی،

1- Walter Lippman

2- Richard Olman

3- Bary Bozan

۱۳۸۶: ۱۷) امنیت در کشورهای جهان سوم از سه لایه محلی، منطقه‌ای و جهانی برخوردار است. با این وجود، مشکلات داخلی دولت‌های جهان سوم، دلیل عمده گسترش درگیری در این کشورهاست و نیل به توسعه و رهایی از وضعیت توسعه نیافتگی، تنها گزینه‌ای است که می‌تواند به افزایش ضریب امنیتی این کشورها با کمترین هزینه کمک کند. در این راستا، پذیرش ایده بومی‌سازی الگوی توسعه، می‌تواند «توسعه» و «امنیت» را به‌صورت توأمان برای کشورهای جهان سوم به ارمغان آورد. (ریعی، ۱۳۸۴: ۳۷) اگر امنیت را مهم‌ترین کارکرد و خدمت حکومت نوین (مدرن) بدانیم، امنیت ملی بزرگ‌ترین دغدغه هر نظامی سیاسی است که با عناصر ایدئولوژیک و فرهنگی، اجتماعی و نظامی پیوند خورده است.

از جمله نظریاتی که در زمینه برخورد با تهدیدها و کاهش ضریب آسیب‌پذیری امنیتی مطرح شده، نظریه توسعه‌محور است که بر مقوله‌های اقتصادی و غیرراهبردی مبتنی می‌باشد؛ به‌باور «مک نامارا»^۱، جوهر و ذات امنیت، «پیشرفت» می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که همگام با توسعه و ترقی این مفهوم (پیشرفت)، می‌توان شاهد تقویت و توسعه امنیت بود. وی تعریف سنتی از امنیت را به باد انتقاد گرفته و استدلال کرد: منابع تأمین سطح مطلوب امنیت برای دولت آمریکا، در کنار متغیرهای نظامی، باید از طریق توجه و تأکید بر مؤلفه‌های رشد اقتصادی و سیاسی چه در داخل آمریکا و چه در کشورهای در حال توسعه تأمین شود. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۹۵) در نظر وی، جامعه‌ای که فاقد سطح توسعه‌یافتگی مطلوبی باشد، همواره در معرض بروز بحران‌های ناشی از ناامنی قرار دارد؛ چون پیامد های ناشی از ناامنی اقتصادی و فقر، یعنی بی‌اعتمادی، تشنج داخلی و خشونت، مستقیماً در جامعه انعکاس می‌یابد. با توجه به این دیدگاه، افزایش روند توسعه می‌تواند تهدیدهای امنیتی برای مناطق توسعه و رشد یافته و حتی کل کشور را کاهش دهد. از آنجا که سیاست توسعه و پیشرفت در قبال تهدیدهای امنیتی در بعد

داخلی کارایی بیشتری در مقابل تهدیدهای خارجی دارد، می‌توان با بسترسازی و مشارکت دادن کشورهای متعدد در روند این توسعه و بهره‌مند ساختن آنها از منافع مادی توسعه، از ظرفیت این کشورها نیز بهره جست.

جدول شماره (۳) شاخص‌های کلی دیدگاه امنیت توسعه

تأمین امنیت ملی، فراتر از ابزارهای نظامی و قابلیت‌های جنگاورانه، نیازمند توجه به عوامل غیرنظامی نیز می‌باشد.
عامل توسعه و رشد اقتصادی، نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت ملی، در کنار عوامل نظامی ایفا می‌نماید.
رشد اقتصادی از طریق ایجاد حداقل استانداردهای رفاه ملی، (باوجود برخورداری کشور از قابلیت‌های پیشرفته نظامی) جامعه را از بسیاری آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدهای امنیتی مصونیت می‌بخشد.

(عندلیب، ۱۳۸۰: ۹۶)

در مقابل این نظریه، دیدگاه «امنیت همه‌جانبه» معتقد است، با توجه به تحولات نظام بین‌الملل و پیچیدگی‌های روزافزون الگوی رفتاری کشورها و دیگر بازیگران صحنه بین‌المللی، نگرش مقطعی و تک‌بعدی امنیتی، از جمله نگرش امنیت - توسعه، به تنهایی قادر به ارائه تبیینی سازنده و راهگشا که در برگیرنده تمامی ابعاد امنیتی باشد، نخواهد بود. به اعتقاد «برژینسکی»^۱ یکی از طراحان این نظریه، امنیت ملی بدون عنایت به ملاحظاتی همچون زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری فناوری، حیات ایدئولوژیک و ... چندان مؤثر نخواهد بود و به شکست خواهد انجامید. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۹۶)

به نظر می‌رسد با توجه به پیچیده بودن مفهوم امنیت، تکیه بر یک بعد مانند توسعه یا افزایش توان نظامی، نتواند کارایی کامل و جامع در تقابل با تهدیدهای نظامی را تأمین نماید؛ بلکه باید با سازوکارهای گسترده و افزایش قدرت ملی، ضریب امنیت ملی کشور را افزایش دهیم. در همین راستا، نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ نیز مفهوم امنیت را صرفاً به حوزه نظامی محدود نمی‌کنند و در معنایی موسع‌تر، به حوزه‌های

اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی تأکید می نمایند. به اعتقاد بوزان، این پنج بخش، جدای از یکدیگر عمل نمی کنند و به شکل اجتناب ناپذیری به هم وابسته هستند و به صورت های مختلفی با یکدیگر تداخل دارند.

جدول شماره (۴) شاخص های کلی دیدگاه امنیت همه جانبه

تأمین امنیت، تنها از طریق توسل به مؤلفه های قدرت نظامی و یا رشد و توسعه اقتصادی تأمین نمی شود.
باید به فرایندهایی مانند توسعه سیاسی، مشارکت مردمی، مشروعیت رژیم سیاسی، انسجام و یکپارچگی ملی و توسعه فرهنگی، به عنوان مؤلفه های تأمین امنیت ملی برای هر جامعه توجه خاص داشت.

(عندلیب، ۱۳۸۰: ۹۶)

۴-۲. توسعه

یکی از مسائل بسیار مهم در حوزه علوم انسانی و اجتماعی در قرن بیست و یکم، موضوع توسعه است. مفهوم توسعه در تعیین اهداف، راهبردها و جهت گیری های پیش رو به منظور تحقق امنیت ملی در بسیاری از نظریه ها جایگاه تعیین کننده ای دارد. توسعه در مفهوم حرکت به سمت بهبود و تغییر شرایط از وضع کنونی به شرایطی مطلوب تر، در حقیقت جنبه هدفمند و آرمانی تری را به نمایش می گذارد. توسعه را می توان رشد کمی و کیفی در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، سیاسی و فرهنگی دانست؛ با این حال توسعه مقوله ای است چندبعدی و هر کشور با توجه به شرایط خاص و ویژه (جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی) خود، مسیر و شیوه های توسعه را شناسایی و دنبال می نماید. کشورهای توسعه نیافته به دلیل هزینه و تاوانی که در قالب راهبردها و برنامه های توسعه ای متحمل شده اند، الگوهای جدیدتری مانند توسعه پایدار را مطرح نمودند. (شعبانپور، ۱۳۸۶: ۵۴)

«تیاسن»^۱ دستیابی به توسعه را عبور از شاهراه آزادی و عدالت اجتماعی می داند. او توسعه را عصاره امکان های آزادی می داند که شامل «آزادی های سیاسی»، «تسهیلات

اقتصادی»، «فرصت‌های اجتماعی»، «تضمین شفافیت» و «تأمین امنیت» می‌باشد. (الوانی، ۱۳۸۹: ۱۱) «سرز»^۱ در بیان مفهوم توسعه می‌گوید: «برای بررسی توسعه اقتصادی یک کشور باید وضعیت فقر، بیکاری و نابرابری در آنرا مورد مطالعه قرار داد. هرگاه میزان این سه عمل نزول کرده باشد، بدون شک آن کشور دوره‌ای از توسعه را پشت سر گذاشته و هرگاه میزان یک یا دو مورد و احتمالاً همه آنها افزایش یافته باشد، قطعاً چنین جامعه‌ای برای توسعه اقتصادی قدم بر نداشته است». (Seers, 1969: 5)

توسعه از دیدگاه اسلام، توانایی و قابلیت کسب آرمان‌های اسلامی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی و اداره امور کشور در این راستاست. در تعبیر این دیدگاه، هر اندازه یک کشور اسلامی به آرمان و ایده‌آل‌های اسلامی نزدیک‌تر شود، توسعه یافته‌تر می‌شود و برعکس. (الوانی، ۱۳۸۹: ۲۷)

رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام پیرامون توسعه فرمودند: «در عرصه اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند. عدالت حتماً یکی از شاخص‌های اصلی است. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌هایی که عدالت و توزیع عادلانه‌ی ثروت را در جامعه ندیده بگیرد، نمی‌تواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تأمین کند و برنامه مطلوب ما نیست. در برنامه‌ها، فرهنگ، امنیت، معنویت و اخلاق باید حتماً دیده شود. فقط رشد اقتصادی مورد تکیه نباشد». (بیانات، ۱۳۸۲/۵/۱۵) ایشان در دیدار استادان و دانشجویان استان کردستان فرمودند: «پیشرفت در کشور ما با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما، الگوی ویژه خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم». (بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۷)

با وجود تعاریف و نظریات مختلف در خصوص چیستی و مفهوم توسعه، به نظر می‌رسد توسعه باید از لحاظ مفهومی همه‌جانبه باشد و مجموع نیازمندی‌ها و ابعاد

مختلف زندگی انسان را مورد توجه قرار دهد. توسعه واقعی باید بتواند شرایط لازم را برای همه افراد جامعه، صرفنظر از موقعیت استقرار مکانی (دوری یا نزدیکی به مرکز) در همه ابعاد، در جهت پویایی و رشد تعالی مادی و معنوی آنان فراهم سازد. هر چند توسعه فرایندی است که دارای ابعاد و اهداف گوناگون و مستقیماً تابع ارزش‌ها و اعتقادات هر جامعه می‌باشد، اما هیچ الگوی عمومی و جهانشمولی برای آن وجود ندارد.

جدول شماره (۵) ویژگی‌های توسعه در مناطق مرزی

ابعاد توسعه مناطق مرزی، با ابعاد توسعه کشور در هم تنیده‌اند. به عبارتی توسعه مناطق مرزی، با توسعه ملی از رابطه‌ای متقابل برخوردارند.
مناطق مرزی محل تلاقی برنامه‌های توسعه داخلی کشور با برنامه‌های توسعه کشورهای همسایه است که تأثیر متقابل این برنامه‌ها بر یکدیگر، باید همزمان مدنظر قرار گیرد.
مناطق مرزی افزون بر اثرپذیری از شرایط و ویژگی‌های مربوط به کل کشور، متأثر از مسائل و ویژگی‌های خاص مناطق مرزی است. خصوصیات همچون دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، تنوع قومی، مذاهب و خرده فرهنگ‌ها، کاهش میزان نظارت و واپایش دولت مرکزی.
با توجه به منابع انسانی، طبیعی و شرایط جغرافیایی و سیاسی مناطق مرزی در فرایند توسعه ملی، می‌توان از طریق طرح نظامی هماهنگ، برنامه‌ریزی مبتنی بر منابع محلی را در اولویت قرار داد.

(عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۰)

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌های این مقاله در سه بخش شامل تأثیر توسعه جنوب شرق کشور در امنیت ملی ج.ا.ایران، نقش نیروی دریایی راهبردی ج.ا.ایران در توسعه جنوب شرق کشور و در نهایت محاسبه میانگین اثرگذاری هر یک از دو فرضیه تحقیق که از طریق پرسشنامه گردآوری شده بیان می‌گردد.

۳-۱. نقش نیروی دریایی راهبردی ج.ا.ایران در توسعه جنوب شرق کشور

برخلاف گذشته، امروزه مفهوم قدرت دریایی مفهوم وسیع‌تری یافته و افزون بر عملیات نیروی دریایی در جنگ و استفاده از نیروهای دریایی به‌عنوان ابزار دیپلماسی، این نیرو واپایش و داد ستد بین‌المللی، بازدارندگی و نفوذ سیاسی در دوران صلح را برعهده دارد. امروزه با توجه به ظرفیت‌های دریا و سهمی که دسترسی به این بخش در شکل‌گیری قدرت و امنیت ملی کشورها دارد، تلقی سنتی از رابطه دریا و قدرت را دچار تحول نموده است. به همین دلایل، نیروی دریایی ارتش از سال ۱۳۸۸ که رهبر انقلاب بیان فرمودند: «نیروی دریایی یک نیروی راهبردی است»، تغییرات بنیادین را در خود تجربه نمود و از آن جمله، در حوزه ساخت‌وساز قطعات و نیازمندی‌های تجهیزاتی به پیشرفت‌های بسیاری دست پیدا کرده است.

نکته اساسی در این تغییرات، انتقال حوزه عملکرد این نیرو از آب‌های سرزمینی و منطقه‌ای به عرصه دریاهای آزاد بوده و در خلال این مدت شاخص‌ترین اقدام‌های این نیرو، اعزام ناوگروه‌های متعدد به دریای سرخ و شمال اقیانوس هند جهت واپایش خطوط مواصلاتی، مقابله با دزدان دریایی و توسعه روابط دیپلماسی دفاعی کشور بوده است. اما با توجه به اینکه فرماندهی کل قوا (سال ۱۳۸۷) در خصوص اهمیت سواحل دریای عمان اظهار داشتند: «این ساحل عظیم و طولانی و بسیار حساس که ما در دریای عمان داریم، در واقع یک گنج است و باید اعتراف کنیم که این را کشف نکرده بودیم»، نیروی دریایی بر حسب مأموریت جدید خود به‌منظور گسترش پایگاه‌های خود در سواحل مکران، وارد این منطقه راهبردی گردیده است. همچنین ایشان (در سال ۱۳۸۹) در دیدار با فرماندهان نذاجا بیان فرمودند: «آن منطقه‌ای که شما مستقر هستید، یعنی منطقه سواحل دریای عمان، منطقه بکری است؛ عمق این سواحل منطقه وسیع بلوچستان و بخشی از منطقه غربی‌تر آن یعنی هرمزگان، مناطق بسیار مهمی است، بسیار حائز اهمیت است. وجود شما در آنجا ممکن است این مناطق را زنده کند؛ یعنی

حضور نیروی دریایی ارتش ممکن است منتهی بشود به اینکه انشاءالله ما بتوانیم از توانایی‌های منطقه استان بزرگ سیستان و بلوچستان و منطقه عظیم و حساس دریای عمان استفاده کنیم؛ این برای کشور مهم است».

جنوب شرق کشور در سال‌های گذشته و بعد از پیروزی انقلاب، به دلیل شرایط محیط جغرافیایی و همچنین عملکرد نامناسب نهادهای مختلف متولی، جهت توسعه و برون رفت از انزوای جغرافیایی، همچنان شرایط نامطلوبی دارد. هر اندازه فاصله فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی مردم از دولت مرکزی بیشتر باشد، احتمال کمتری وجود دارد که آنها از دستورات دولت پیروی کنند و نتیجه آن شکل‌گیری «قلمرو عمومی یا حاشیه‌ای» است. (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۷ و ۲۰۷)

۲-۳. تأثیر توسعه جنوب شرق کشور در امنیت ملی ج.ا.ایران

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاستگذاری‌های کلان کشورها، دستیابی همه شهروندان به شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کاهش محرومیت و نابرابری‌های اجتماعی است. وجه مشترک همه تعاریف ارائه شده از مفهوم توسعه آن است که در مجموع کیفیت زندگی انسان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهبود یابد. جنوب شرق کشور به دلیل اینکه دارای شکاف موازی قومی و زبانی با شکاف مذهبی می‌باشد، با تقویت و بالفعل کردن همدیگر، بر احتمال فعال شدن و تبعات امنیتی مسائل قومی می‌افزاید، هر چند که از گذشته این مشکلات به صورتی دیگر وجود داشته است. (احمدی‌پور، ۱۳۹۱: ۲)

بررسی شاخص‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی استان‌های مختلف کشور نشان می‌دهد تفاوت‌های آشکاری بین جنوب شرق کشور با دیگر مناطق وجود دارد. بررسی شاخص با سواد با نرخ ۵۷/۱ درصد، شاغلان بخش صنعتی با ۴ درصد، بالاترین نرخ بیکاری کشور با رقم ۲۶/۷ درصد، پایین‌ترین نرخ شهرنشینی بعد از هرمزگان با نرخ

۶/۱۲ درصد، دارای پایین‌ترین نرخ‌های موجود در بین استان‌های کشور می‌باشد. این استان با ضریب توسعه اجتماعی ۱۱۶-، ضریب توسعه اقتصادی ۰۴۰/ و ضریب توسعه اجتماعی و اقتصادی ۰۹۳-، رتبه اول کشور را در زمینه‌های یاد شده دارد که بیشتر این ضریب‌ها بیانگر مدیریت ناکارآمد در این منطقه می‌باشد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۷)

وضعیت خاص جغرافیای منطقه در کنار فقر فرهنگی حاکم بر آن، بستر مناسبی برای ایجاد زمینه‌های شرارات و ناامنی فراهم نموده و با توجه به بافت مذهبی مردم منطقه (۷۰ درصد اهل تسنن) و وفادری این گروه‌ها به مذهب که حمایت‌های خارجی را نیز با خود دارند، به صورت یک تهدید بالقوه علیه امنیت ملی کشور قلمداد می‌گردد.

جدول شماره (۶) عوامل و محدودیت‌های مؤثر در ناامنی منطقه و سواحل مکران

فقر فرهنگی و پایین بودن نرخ سواد مردم	شرایط اقلیمی نامناسب منطقه و کمبود آب شرب
دوری منطقه نسبت به مرکز کشور	عدم وجود شبکه‌های ارتباط مناسب (هوایی، زمینی، ریلی)
وجود فرهنگ عشیره‌ای و قومی در منطقه	عدم وجود اسکله‌های تجاری و صنعتی در امتداد سواحل
عدم استفاده از جاذبه‌های گردشگری در منطقه	کمبود زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در منطقه
وجود سلاح‌های غیرمجاز و مبادی قاچاق در منطقه	اجرائی نشدن سند چشم‌انداز ۲۰ ساله برای توسعه همه‌جانبه
پایین بودن سطح رفاه عمومی	حمل و نقل مواد مخدر از کشورهای همجوار به منطقه
عدم وجود اشتغال پایدار در منطقه	نامناسب بودن ساختارهای ارتباط رسانه‌ای در منطقه
عدم وجود نخبگان شاخص در منطقه	عدم استفاده از عوامل بومی در مدیریت منطقه

(عریضی و مولایی، ۱۳۹۱: ۷)

با توجه به نظریه‌های مطرح شده در حوزه امنیت و توسعه، چالش‌های ناشی از فقر و محرومیت و توسعه نیافتگی را نمی‌توان با تفکرات سنتی و بهره‌گیری از ابزار نظامی و امنیتی واپایش نمود؛ چرا که اقدام‌های صورت گرفته جهت مبارزه با قاچاق کالا و مواد مخدر و اقدام‌های تروریستی و گروگانگیری در سال‌های اخیر که همواره با افزایش نیروهای امنیتی در این منطقه همراه بوده، نتوانسته امنیت پایدار را تحقق بخشد. بنابراین در این منطقه به دلیل محرومیت و محدودیت‌های جغرافیایی و همچنین پیچیده

بودن مفهوم امنیت، حرکات تک‌بعدی و مقطعی کارساز نیست؛ بلکه باید با سازوکارهای گسترده و جامع، ضمن افزایش قدرت ملی، ضریب امنیت ملی کشور را افزایش دهیم. جهت تحقق این امر، نیاز به یک برنامه‌ریزی گسترده می‌باشد که در این راستا باید با دیدگاه «امنیت همه‌جانبه» با مشکلات برخورد نمود. جامعه‌ای که فاقد سطح توسعه یافتگی مطلوبی باشد، همواره در معرض بحران‌های ناشی از ناامنی قرار دارد؛ چون پیامدهای ناشی از ناامنی اقتصادی و فقر، یعنی بی‌اعتمادی، تنش داخلی و خشونت، مستقیماً در جامعه انعکاس می‌یابد و توسعه همه‌جانبه می‌تواند تهدیدهای امنیتی را برای مناطقی که مورد توسعه قرار گرفته‌اند، کاهش دهد.

تجربیات کشورهای متعدد نشان داده که مناطق به‌شدت ناامن‌تر با بسترسازی توسعه و ایجاد زیرساختارهای اشتغال، عملکرد مناسبی در حوزه امنیتی داشته‌اند. بنابراین توسعه مناطق مرزی باید بر اساس اصول پایه‌ای از جمله ۱. اصل درون‌زایی (تکیه بر منابع و شرایط محلی و بومی)؛ ۲. اصل ارتباط‌دهی (ارتباط بین فضای داخل و خارج از کشور)؛ ۳. اصل محرومیت‌زدایی انجام گیرد. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۱۴) از این رو لازم است برای توسعه پایدار در این منطقه، با توجه به امکانات و زمینه‌های کالبدی، برنامه‌هایی همچون ایجاد امکانات و افزایش سطح رفاه، اشتغال، آموزش، راه و ترابری، بهداشت و به‌طور کلی کاهش نابرابری‌ها، مورد تأکید قرار گیرد که در آن صورت، فرصت و قابلیت‌های موجود جهت توسعه منطقه، از اولین نتایج آن خواهد بود و در نهایت با توسعه سواحل جنوب کشور افزون بر محرومیت‌زدایی، باعث رونق اقتصادی، استقرار جمعیت و ایجاد اشتغال در سرتاسر این منطقه خواهد شد.

جدول شماره (۷) قابلیت‌های منطقه و سواحل مکران جهت توسعه

حمل و نقل دریایی: کرانه‌های دریای عمان به دلیل دارا بودن سواحل مناسب به‌ویژه در خلیج چابهار، پهلو گرفتن کشتی‌های ظرفیت بالا برای اتصال حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی در پیرامون ایران را دارد.
جایگزین خروج نسبی ایران از تنگنای تنگه هرمز: سواحل جنوب شرق ایران در شرایط بروز محاصره دریایی و تهدید امنیت تنگه هرمز، گزینه مناسبی برای خروج ایران از تنگنای ارتباط دریایی محسوب می‌شود.
دسترسی به اقیانوس هند و آب‌های آزاد با ظرفیت‌های مختلف: دریای عمان، ایران را عضو ۲ سازه منطقه‌ای یعنی سازه دریای عمان و سازه میان قاره‌ای اقیانوس هند می‌کند و در نهایت منجر به افزایش ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران می‌شود.
ظرفیت‌های اقتصادی دریا: با افزایش حد فلات قاره ایران تا ۳۵۰ مایل دریایی، ظرفیت‌های اقتصادی مهمی در زمینه شیلات و نیز ذخایر معدنی کف و زیرکف دریا نصیب ایران می‌شود.
امکان‌سازی تبدیل ایران به قدرت دریایی با خروج از خلیج فارس
واپایش راهبردی مسیرهای بین‌المللی در دریای عمان و شمال اقیانوس هند یکی از ۵ حوزه راهبردی جهان شناخته می‌شود که در آن روزانه میلیون‌ها بشکه نفت و حجم وسیعی کالا و سرمایه جابه‌جا و مبادله می‌شود.
افزایش عمق راهبردی در سواحل و آب‌های جنوب شرق کشور جهت برخورد با چالش‌های ژئواستراتژیک
ظرفیت مناسب ارتباطی این منطقه جهت اتصال افغانستان، آسیای مرکزی و روسیه به آب‌های آزاد و دنیای خارج

(حافظنیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۳)

۳-۳. موانع توسعه سواحل مکران

۳-۳-۱. دوری از مرکز

فاصله بین مرکز و پیرامون یکی از موانع توسعه می‌باشد. این مسئله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی نشئت گرفته، پیامدهای نامطلوبی برای مرز نشینان در پی دارد؛ دوری از مرکز تصمیم‌گیری سیاسی، اداری، اقتصادی، اجرایی و ... که معمولاً باعث می‌گردد مسئولان نتوانند به‌درستی مسائل و مشکلات را درک کنند و در نهایت تصمیم‌ها و برنامه‌های اتخاذ شده به دلایل طولانی بودن مسیر به‌درستی عملی نمی‌گردد. پدیده دوری از مرکز در سواحل مکران نیز پیامدهای منفی را به

نمایش گذاشته و به صورت ساختارهای اقتصادی و رفاهی و برنامه‌های آموزشی، بهداشتی و فرهنگی مشاهده می‌شود.

با استقرار ناوگان دریایی این نیرو در سواحل مکران و ایجاد زیرساخت‌های شهری، خدماتی، اداری و اجرایی در منطقه، بخشی از فاصله روانی موجود مبنی بر دوری از مرکز در بین مردم منطقه از بین می‌رود و با ایجاد امنیت روانی بین مردم، زمینه رشد و توسعه و سرمایه‌گذاری نیز بیشتر می‌گردد.

۲-۳-۳ انزوای جغرافیایی

حاشیه‌ای بودن به مفهوم دوری و جدایی از ساختار اقتصادی یک کشور یا یک منطقه و یا حتی از نظامی اقتصادی جهان است. (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۲) سواحل جنوب شرق کشور به دلیل شرایط جغرافیایی نامناسب محیطی و وجود بیابان‌های وسیع از مناطق غربی کشور که دارای تمرکز اقتصادی و جمعیتی می‌باشد، جدا افتاده است. در سواحل جنوبی دریای عمان از تنگه هرمز تا گواتر به جز بندر معروف چابهار و کنارک که به علت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و نظامی توانسته‌اند موقعیت ویژه‌ای را در ارتباط با شبکه شهری بلوچستان به وجود آورند، شهر معروف قابل ملاحظه‌ای نیست. (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۲۱) بنابراین حضور یک سازمان و نیروی نظامی که وابستگی کالبدی به منابع و ویژگی‌های منطقه دارد (دریا) می‌تواند بسترساز خروج از انزوا گردد.

۳-۳-۳ سکونت ناپایدار

به دلیل محدودیت‌های جغرافیایی (اقلیمی و محیطی) حاکم بر منطقه و فراهم نشدن بسترهای مناسب جهت توسعه، ناپایداری جمعیت در مناطق مرزی توسعه نیافته یکی از مشکلات می‌باشد که تأثیر عمیقی روی امنیت مناطق مرزی نیز می‌گذارد. بی‌ثباتی جمعیت می‌توان منجر به بی‌ثباتی اقتصادی و برنامه‌ریزی‌ها جهت روند توسعه و پیشرفت گردد. به همین دلیل در سرتاسر سواحل مکران اقدام‌های صورت گرفته قبلی مقطعی و بسیار ضعیف بوده است. در این بعد نیروی دریایی با گسترش در منطقه ضمن ایجاد شهرک‌های مسکونی برای کارکنان خود، با توسعه زیرساخت‌های صنعتی و خدماتی و

ایجاد فرصت‌های اشتغال به‌ویژه در قلمرو دریا و همچنین ارتباطات و تبادلات خارجی بستر مناسبی را برای افزایش و تمرکز جمعیت در سواحل مکران به‌وجود خواهد آورد. حضور و استقرار نیروی دریای راهبردی در سرتاسر این سواحل در مقطع کنونی روزنه‌امیدی جهت ایجاد تحول در منطقه گردیده که باعث می‌شود تا بخشی از ابعاد گوناگون فاصله مرکز با این منطقه از بین برود. به همین منظور و با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب (در سال ۱۳۹۰) در بازدید از ناوگان جنوبی ندادجا مبنی بر اینکه «این منطقه با حضور نیروهای مسلح کارهای بزرگی دارد؛ چه منطقه دریای عمان و چه منطقه سواحل خلیج فارس، دستگاه‌های دولتی و مسئولان گوناگون کشور موظفند همکاری‌های لازم را با نیروهای مسلح انجام دهند تا این کارها به بهترین وجه انجام بگیرد»، نقش نیروی دریایی راهبردی در توسعه منطقه حساس‌تر گردیده است. بنابراین با توجه با تأکیدات مبنی بر اینکه در سواحل و دریا، اقیانوسی از کار وجود دارد، باید با همکاری سایر دستگاه‌های دولتی و مسئولان گوناگون اقدام‌های مناسبی انجام پذیرد که نتیجه آن چیزی جز آبادانی، توسعه و امنیت نخواهد بود.

جدول شماره (۸) زیرساخت‌ها و صنایع پایین دستی مؤثر در توسعه سواحل مکران

فناوری دریایی، شامل: طراحی، ساخت، نصب و تعمیر انواع شناورها، سازه‌های فراساحلی و ماشین‌آلات.	قوانین، مقررات و استانداردها، اعم از مقررات حقوقی، رویه‌های قضایی، ایمنی و امنیت دریایی و حفاظت از محیط زیست.
بندرها و عملیات بندری و دریایی (امور بندری، دریایی و دریانوردی) و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریایی	ایجاد نظام جامع حمل و نقل و تنظیم سهم هر یک از زیربخش‌های آن و آموزش و تحقیقات، بیمه دریایی، مؤسسه‌های مالی و اعتباری
سیاست‌های کلی نظام در مورد حمل و نقل تا سال ۱۴۰۴	صنایع دفاعی، دریایی و گردشگری دریایی

۳-۴. تجزیه و تحلیل اطلاعات میدانی

جدول شماره (۹) شاخص‌های فراوانی فرضیه‌های پژوهش

ردیف	تأثیر نیروی دریایی در توسعه منطقه		تأثیر توسعه مکران بر امنیت ملی ج.۱. ایران	
	خروج از انزوای جغرافیایی	کاهش فقر و محرومیت	تهدیدهای داخلی	تهدیدهای خارجی
میانگین تفکیکی	۳/۹۳۵۱	۳/۸۰	۳/۸۳	۴/۰۵۲۰
میانه	۴	۴	۴	۴
واریانس	/۸۸۶	۱/۳۴۳	۱/۱۴۷	/۹۶۰
انحراف معیار	۰/۹۵	۱/۱۶	۱/۰۶	۰/۹۸۷
min	۱	۱	۱	۱
max	۵	۵	۵	۵
چولگی	/۲۲۰	-/۰۴۷۹	-/۷۳۱	/۰۷۲۱
کشیدگی	-/۷۰۰	-/۶۷۸	-/۷۳۱	۱/۰۱۶
میانگین کل	۳/۸۰۶۳		۳/۹۱۴۹	

۳-۴-۱. نقش نیروی دریایی راهبردی در توسعه سواحل مکران

با توجه به اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه (جدول توصیفی) که بر اساس طیف لیکرت انجام گردیده، شاخصه‌های آماری درباره فرضیه ۱ تحقیق نشان می‌دهد که میانگین، میانه و انحراف معیار به ترتیب ۳/۸۰۶۳، ۴، ۱/۰۵۵ است. داده‌های جدول توزیع فراوانی فرضیه نیز نشان می‌دهد که توزیع از چولگی منفی برخوردار بوده و در نقطه اوج خود نسبت به توزیع از خمیدگی برخوردار است و در نتیجه حدود ۶۷/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند حضور نیروی دریایی در سواحل مکران نقش مؤثری در توسعه این منطقه دارد. در این خصوص میانگین مورد انتظار ما ۲/۵ بوده، اما نتیجه تحقیق میانگین ۳/۸۰۶۳ را نشان می‌دهد. برابر آزمون «خی ۲» برای استقلال متغیرهای تحقیق (فرضیه ۱) مشاهده می‌شود که مقدار آماره آزمون ۱۲۳/۵۲۷

به دست آمده که در مقایسه مقدار جدول آزمون با ۱۶ درجه آزادی، مقدار عدد ۲۶/۲۹۶ می باشد و با توجه به سطح معناداری آزمون که مقدار آن صفر به دست آمده و آزمون در سطح ۰/۰۵ می باشد، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه می گیریم که نیروی دریایی راهبردی می تواند در توسعه سواحل مکران اثرگذار باشد.

	فرضیه ۱		فرضیه ۲
Chi-Square	123.527a	Chi-Square	47.613a
Df	16	Df	16
Asymp. Sig	.000	Asymp. Sig	.000

۲-۳. نقش نیروی دریایی راهبردی در توسعه سواحل مکران و تأثیر آن بر امنیت ملی

ج.۱.۱. ایران

با توجه به اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه (جدول توصیفی) که بر اساس طیف لیکرت انجام گردیده، شاخصه های آماری درباره فرضیه ۲ نشان می دهد که میانگین، میانه و انحراف معیار به ترتیب ۳/۹۱۴۹، ۴ و ۱/۰۲۳۵ است. داده های جدول توزیع فراوانی فرضیه نیز نشان می دهد که توزیع از چولگی منفی برخوردار بوده و در نقطه اوج خود نسبت به توزیع از خمیدگی برخوردار است و در نتیجه حدود ۶۵/۸ درصد از پاسخ دهندگان معتقدند حضور نیروی دریایی در سواحل مکران نقش مؤثری در توسعه این منطقه دارد.

در این خصوص میانگین مورد انتظار ما ۲/۵ بوده، اما نتیجه ۳/۹۱۴۹ را نشان می دهد. برابر آزمون خی ۲ برای استقلال متغیرهای تحقیق (فرضیه ۲) مشاهده می شود که مقدار آماره آزمون ۴۷/۶۱۳ به دست آمده که در مقایسه مقدار جدول آزمون با ۱۶ درجه آزادی، مقدار عدد ۲۶/۲۹۶ می باشد و با توجه به سطح معناداری آزمون که مقدار آن

صفر به دست آمده و آزمون در سطح ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین این با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه می‌گیریم که توسعه سواحل مکران بر امنیت ملی ج.ا.ایران اثرگذار بوده است.

۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

مهم‌ترین عوامل ناامنی در مناطق جنوب شرق کشور ناشی از فقر، محرومیت، توسعه‌نیافتگی و نابرابری‌های رشد فضای جغرافیایی کشور می‌باشد که مسائلی همچون تحرکات ناشی از عوامل خارجی در کشورهای مجاور و ویژگی‌های قومی - مذهبی مردم منطقه نیز گاهی بر شدت عمل بسترهای کالبدی ناامنی در منطقه افزوده است. بنابراین به منظور تحقق منویات رهبر معظم انقلاب برای توسعه متوازن کشور و عدالت محوری، از آنجا که طرح توسعه جنوب شرق کشور یکی از اولویت‌های سیاست کلان و مهم ج.ا.ایران در سال‌های گذشته بوده، بر همین اساس، در این پژوهش، نقش نیروی دریایی راهبردی ارتش ج.ا.ایران در توسعه سواحل مکران و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران مورد بررسی قرار گرفته که پس از بیان پیشینه و ادبیات تحقیق و شاخص‌گذاری متغیرها، ضمن استفاده از سایر منابع، پرسشنامه تحقیق تهیه و در اختیار ۳۰ نفر از صاحب‌ظران و مدیران آشنا به مسائل امنیتی و منطقه مورد مطالعه قرار گرفت که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسشنامه، فرضیه‌های تحقیق را مبنی بر اینکه «گسترش نیروی دریایی در سواحل مکران بر توسعه این منطقه» و «توسعه این منطقه بر امنیت ملی ج.ا.ایران مؤثر هستند» را تأیید می‌نماید.

نیروی دریایی راهبردی با حضور مستمر خود در منطقه، ابتدا نوعی امنیت ذهنی را در طول سواحل مکران که منبع رشد و تحرک اقتصادی متکی به دریا می‌باشد، تأمین می‌کند و در سایه این امنیت، موانع توسعه جنوب شرق کشور همچون انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت و دوری از مرکز که بعد روانی آن آثار مخربی بر ابعاد

امنیت دارد را از بین می‌برد و در نهایت اینکه با تکیه به اصل درون‌زایی، جهت توسعه منطقه در حوزه دریا، با بهره‌گیری از تجارب و ظرفیت‌های نیروی دریایی در دریا و سواحل منطقه در ابعاد اقتصادی، بازرگانی، ارتباطی، خدماتی و دفاعی، قابلیت‌های موجود نسبت به گذشته با سرعت بیشتری جامه عمل خواهد پوشید؛ در حالی که عدم استفاده از فرصت‌ها جهت توسعه، با توجه به عوامل کالبدی منطقه، به‌صورت تهدید علیه امنیت ملی جلوه‌گر خواهد گردید. بنابراین حضور نیروی دریایی راهبردی ج.ا.ایران در سواحل دریای عمان و شمال اقیانوس هند که جهت تأمین امنیت خطوط مواصلاتی و منافع ملی در عرصه آب‌های منطقه و آب‌های آزاد می‌باشد و به تعبیر رهبر انقلاب مبنی بر اینکه «وجود شما در آنجا ممکن است این مناطق را زنده کند و انشاءالله ما بتوانیم از توانایی‌های این استان و منطقه عظیم و حساس دریای عمان استفاده کنیم و این برای کشور مهم است»، می‌تواند فرصت مناسبی به‌شمار رود. در همین راستا این نیرو می‌تواند با تدابیر ویژه، ضمن مدنظر قرار دادن ساختارهای فرهنگی - مذهبی و اجتماعی مردم منطقه و به‌موازات گسترش تجهیزات و نیروی انسانی خود در سواحل منطقه، جهت یاری مردم محروم منطقه، اقدام‌های متنوعی را برنامه‌ریزی و اجرا نماید

۲-۴. پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش، سه راهبرد توسعه منطقه به‌شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

(۱) اصل درون‌زایی (تکیه بر منابع دریا)

- * بسترسازی مناسب جهت حضور، سرمایه‌گذاری و بازدید نیروی دریایی کشورهای دوست از منطقه فراهم شود.
- * برنامه‌ریزی جهت توسعه بندرها، اسکله و مناطق آزاد تجاری و بسترساز جهت استفاده مردم از منابع و اقتصاد دریا.

(۲) اصل ارتباطدهی

- * ایجاد شهرهای بندری دارای زیرساخت‌های مهم اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی جهت ارتباط زمینی و دریایی با بدنه اصلی کشور.
- * تلاش جهت ایجاد دالان شمال جنوب از سواحل جاسک به منظور ایجاد اشتغال مردم منطقه و افزایش رفت و آمدها به منطقه.
- * با توجه به اینکه استان سیستان و بلوچستان از لحاظ دفاعی پشتوانه سواحل مکران می‌باشد، مسیرهای ارتباطی سواحل به سمت مرکز استان و کشور توسعه یابد.

(۳) اصل محرومیت‌زدایی

- * با رعایت ملاحظات حفاظتی، تا جایی که امکان دارد تعامل و همکاری و ارتباط بین فرماندهان و مسئولان نظامی منطقه با نخبگان قومی - مذهبی مناطق همجوار گسترش یابد.
- * تلاش جهت ایجاد جاذبه‌های گردشگری در حوزه دریا به منظور جذب گردشگر دریایی و خروج از انزوای جغرافیایی.
- * رفع مظاهر آشکار و برجسته فقر و عقب‌ماندگی منطقه در ابعاد آموزشی، بهداشتی، درمانی و ... با احداث مجتمع‌های دو منظوره، جهت کارکنان و مردم منطقه.
- * تلاش جهت ایجاد روحیه خودباوری ملی و امید به آینده بهتر بین مردم در سایه تلاش و کوشش و همدلی مردم منطقه با نیروهای نظامی و امنیتی.

منابع و یادداشت‌ها

۱. احمدی‌پور و همکاران، (۱۳۹۰)، تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق کشور، *فصلنامه مطالعات اجتماعی*، تهران.
۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۱)، *سومین شوک امنیتی ۱۱ سپتامبر*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۳. الوانی، سیدمهدی و همکاران، (۱۳۸۹)، *مدیریت توسعه*، انتشارات صفار، تهران.
۴. بایبوردی، اسماعیل، (۱۳۸۸)، *توسعه سیاسی و امنیت ملی*، انتشارات فرادید، تهران.
۵. بیانات مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا، قابل دسترس در آدرس اینترنتی: www.Khamenei.ir
۶. بهرامی، محمد، (۱۳۸۲)، قرآن و مسئله امنیت ملی، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۳۵ و ۳۶، تهران.
۷. پوررضائی، نقی، (۱۳۹۳)، تعریفی جدید و فرانظامی از نیروی دریایی، www.tahlileiran.ir
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۷۱)، *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*، انتشارات سمت، تهران.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی، (۱۳۸۳)، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، انتشارات سمت، تهران.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران، (۱۳۸۴)، تحلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی سواحل جنوب شرق ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت)، *جغرافیا و توسعه*، تهران.
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران، (۱۳۸۵)، نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مورد: قوم بلوچ)، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد ۲۰، شماره ۱.
۱۲. خلیلی، محسن و همکاران، (۱۳۹۰)، مقاله بایستگی‌های ژئواکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره ۴، تهران.
۱۳. دلاور، علی، (۱۳۸۵)، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، انتشارات رشد، تهران.
۱۴. ربیعی، علی، (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر نظریه امنیت ملی در جهان سوم*، دفتر مطالعات سیاسی.
۱۵. روشندل، جلیل، (۱۳۸۴)، *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، سمت، تهران.
۱۶. زارعی، بهادر، (۱۳۸۶)، *بوشهر در امنیت ملی ایران*، نشر دادگستر، تهران.

۱۷. زرقانی، سیدهادی و هادی اعظمی، (۱۳۹۰)، تحلیل ملاحظات نظامی - امنیتی در آمایش و مکان‌گزینی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی با تأکید بر استان خراسان رضوی، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، تهران.
۱۸. شیخ بیگلر، رعنا و همکاران، (۱۳۹۱)، تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری توسعه در شهرستان های ایران، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۱۲، شماره ۴۶، تهران.
۱۹. شعبانپور، موسی، (۱۳۸۶)، نقش نیروهای مسلح در توسعه پایدار ملی، *فصلنامه سیاسی- اجتماعی اقتدار*، سال اول، شماره ۲، اداره عقیدتی سیاسی نهجا، تهران.
۲۰. عریضی، فرشید و سیدیوسف مولایی، (۱۳۹۱)، تدوین راهبردهای فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار و همه‌جانبه سواحل دریایی مکران، اولین همایش توسعه سواحل مکران، تهران.
۲۱. عزتی، عزت ا...، (۱۳۷۸)، *ژئواستراتژی*، انتشارات سمت، تهران.
۲۲. عندلیب، علیرضا، (۱۳۸۰) *نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی ج.ا.ایران*، پیام سپاس، تهران.
۲۳. قاسمی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، نسبت امنیت انسانی و توسعه پایدار، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال یازدهم، شماره سوم، تهران.
۲۴. قیصری، نورا...، (۱۳۸۲)، جهانی‌شدن و تحول فرهنگ‌های سیاسی در جهان اسلام، مجموعه مقالات ۱۶، *کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی*، نشر اردیبهشت، تهران.
۲۵. ماندل، رابرت، (۱۳۷۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۲۶. مویر، ریچارد، (۱۳۷۹)، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میرحیدر و سیدیحیی صفوی، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۲۷. واثق، محمود و همکاران، (۱۳۹۵)، رهیافت هم تکمیلی، مبانی و کارکردهای آن، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، تهران.
۲۸. نظریان، اصغر، (۱۳۸۵)، *جغرافیای شهری ایران*، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.

29. Bozarsalan, Ham it& Minassian, (1997), Ibid . La question Kurd. Ettaet minorities au Moyne- Orient. Presses de science.

30. Kenneth ,G, (1967), Twitchett. International Security Reflections on Survivaland Stability,London.

31. Mahan, Alferd Thayer, (1897), The Influence of Seapower upon History, 1660- 1783 (Boston: Little Brown
32. Seers,D, (1972), The meaning of development” Develop; rev. vol.2.
33. The Role of Strategic Navy in Makran Coasts Development and its Effect on National Security of Islamic Republic of Iran.
34. Davood Rezaei Sekke Ravani, MA Holder, Political Geography, Teaching at Khatam-ol-Anbia College.
35. Dr Mahmoud Vasegh, Assistant Professor, Faculty of Geography, University of Tehran.
36. AmirHooshang KhademDaghigh, MA Holder, National Security Studies, University of National Defense.
37. Hassan Chaharmahali, MA in Financial Administration, Teaching at Khatam-ol-Anbia College.

